

## بررسی ماهیت فلسفه تطبیقی

گفت‌وگو با: حسین کلباسی اشتری

ایران، ش ۳۸۷۱، ۸۶/۱۲/۶

آقای کلباسی در این مقاله به بررسی ماهیت فلسفه تطبیقی اشاره داشته این که از سال‌ها پیش اصطلاح و تعبیر فلسفه تطبیقی در ادبیات فلسفی وارد شده و کسانی به مقایسه و تطبیق آرای اندیشمندان و اهل فلسفه پرداخته‌اند، اما تا زمان هانری کربن، کسی به‌طور جدی در صدد محقق کردن ماهیت و چیستی فلسفه تطبیقی بر نیامد.

در جامعه ما هر چند ورود این اصطلاح پیشینه چندان طولانی ندارد، ولی جریان فلسفه تطبیقی را با توجه و التفات اخیر اندیشمندان ایرانی می‌توان رو به رشد دانست، اما می‌توان پرسید به راستی فلسفه تطبیقی چیست؟ و آیا تمام مضامین فلسفه تطبیقی ذیل عنوانش خلاصه می‌شود یا مفاهیمی و رای واژه و لفظ هم دارد؟

ایشان در تعریف فلسفه تطبیقی می‌گویند: فلسفه تطبیقی عبارت است از تطبیق یا مقایسه میان فلسفه‌ها، مانند فلسفه هنر با فلسفه دین و... منظور از تطبیق یعنی مقایسه با توجه به برخی مشترکاتی که دارند. منظور از فلسفه تطبیقی، تطبیق فلسفه‌ها نیست زیرا، مفهوم فلسفه تطبیقی آن‌چنان‌که واضعین آن می‌اندیشند، مشروط به شرایطی است که اگر آن شرایط تحقق پیدا نکند، وقوع فلسفه تطبیقی هم ممتنع است.

پدیدارشناسی و فلسفه تطبیقی و به ویژه پیوند میان این دو به اواخر قرن نوزدهم باز می‌گردد، و اولین کسی که فلسفه تطبیقی را به عنوان یک مقوله مستقل فلسفی مطرح نمود، هانری کربن می‌باشند. در حقیقت فلسفه تطبیقی مورد نظر او عبارت بود از امکان محاوره و گفت‌وگو میان فلسفه‌ها یا امکان بحث میان دو سنت فکری که درد و مقتضای تاریخی و جغرافیایی متمایز قرار داشت. به همین جهت بود که کربن طرح گفت‌وگوی میان سنت‌های فلسفی، عرفانی، حکمی، اسلام و مسیحیت یا سنت‌های اسلامی - مسیحی را با توجه به مبانی، آموزه‌ها و دستاوردها و نتایجش مطرح می‌کرد. از همین رو فلسفه تطبیقی مورد نظر او عبارت بود از تأمل در امکان محاوره و استفاده از ظرفیت‌های این سنت‌ها برای تحقق امکان‌های موجود.

امکان فلسفه تطبیقی در گرو آماده ساختن اذهان و نفوس برای ورود به عرصه گفت‌وگوی میان سنت‌هاست. یعنی شرط اعلی در امکان فلسفه تطبیقی، بستگی به امکان گفت‌وگوی میان سنت‌ها و صاحبان و ساکنان این سنت‌ها با یکدیگر دارد. اگر این امکان

فراهم شود و شرایط محاوره میان ساکنان اقالیم شرق و غرب و سنت‌های مختلف فراهم نشود؛ از فلسفه تطبیقی چیزی جز در لفظ و در قالب باقی نخواهد ماند. با این وصف، شرط اصلی ورود در ساخت فلسفه تطبیقی، تمسک به روح جوهره تفکر فلسفی است و آن عبارت است از باز نمودن عرصه محاوره واقعی به منظور استعلا و ارتقای دانش و باز شدن چشم حقیقت‌بین.

گزارش گر: حسن ظلو

